روزنامه وقایع اتفاقیه بتاریخ جمعه دهم شهر جمادی الاول مطابق تسال ایت ییل سنه ۱۲۶۷

نمره ششم

هر کس در طهران طالب نسخه
ازین روزنامها باشد
در بازار در دکان میرزا سید کاظم
بلور فروش فروخته می شود

قیمت
یک نسخه دو شاهی
سه ماهش هزار
شش ماه یک تومان دو هزار
یک سال دو تومان چهار هزار



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دار الخلافه طهران

سرکار اعلیحضرت پادشاهی که بشکارگاه کن تشریف برده بودند
بحمد الله تعالی در شکارگاه بسیار خوش گذشته بودند روز
دوشنبه ششم وارد دار الخلافه شدند

شیخ خان نایب اجودان باشی که مامور بمصلحت گذاری در
توقف لندن بود در روز شنبه چهارم ماه مرخص شده رفت

علیخان سرتیپ فراکوزلو که با صاحب منصبان فوج در رکاب
بودند مرخص شده رفتند که مدارک خود را دیده کسر فوج را
تمام کرده بزودی تابیت سی روز بعد از عید بکرمان بروند

این روزها از شالهای خوب کرمان بسیار برای صدر قپچاق
آوردند و بطوری خوب شده بود که میبایست بسیار دقت
کرده تا معلوم نماید که کرمانی است یا کشمیری از جمله
در همان مجلس که شالها را آورده بودند دو سه نفر که همیشه
شغلشان خریداری شال کشمیری بود حضور داشتند یکطاقه

کرمانی را در عوض کشمیری با آنها داده بودند و نگفته بودند که
یا کشمیری آنها هم هرچه دقت کرده بودند نتوانسته بودند
معلوم کنند سهل است بعد از دقت بسیار شال کشمیری دانسته
هشتاد تومان قیمت کرده بودند بعد از آن آنها که میدانستند گفتند
که مایت آنها که شصت تومان قیمت کرده بودند باور نمیکردند
تا اینکه مدللشان کردند که کرمانی است بهمین طور شال کرمانی را خوب
رسانده اند که با کشمیری مشتبه میشود

از اولیای دولت علیه حکم شده است که قیمت اجناس دار الخلافه
بجهة اطلاع خلق کاهگاه در روزنامها نوشته شود درین
ازین قرار است

برنج		قند	
عبدو	کرده	یاچلدر	هدر
شاه چلدر	گوگه	درامد	

سایر ممالک محروسه

میرزا جعفر خان مشیر الدوله که در دو فول بود این روزها

عزیمت معاودت بتهران داشته

نواب غلامرضا میرزا که بحکومت لرستان و عربستان و بختیاری

مأمور شده بود نواب ایلدرم میرزا برادر کوچک خود را

از جانب خود بنیابت حکومت لرستان مأمور نموده

و آنجا گذاشته و خودش بعربستان رفت

عبد الله خان صارم الدوله از کرمان بطرف بمپور مأمور

بود از فراریکه خبر رسید بعد از ورود به بمپور انتظام کلی

مأمور الصفحات داده و در زرع و نسق خالصجات دیوانی

کمال اهتمام و سعی نموده و آن صفحات این اوقات بکمال

نظم را دارد و درین روزها از انتظام مأمور آنجا فراغت

حاصل نموده است معاودت خواهد کرد

از آنجاکه اولیای دولت علیه در نظم راهها و امنیت مالک

اهتمام تمام دارند برای تسدید راه هرزکی طایفه بلوچ قرار

جمازه سواری داده اند که همیشه متوجه محارست و محافظت

راهها بوده راه هرزکی بلوچ را مسدود دارند این اوقات

آنها را بدار الخلافه احضار نموده بودند وارد شده اند که سان

آنها را دیده قرار درستی در کارشان داده روانه نمایند

طایفه بلوچ متوقف سیستان بسپارخودسری و هرزکی آغاز

کرده در دزدی و راهزنی شدتی داشتند از فراریکه این روزها

اخبار متواتر رسید چنین معلوم میشود که یار محمد خان ظهیر الدوله

با جازه اولیای دولت علیه جمعیتی از هرات بر سر آنها فرستاده

چند قلعه از آنها گرفته تنبیه و گوشمال درستی بآنها داده است

و از این جهته اسودگی کلی برای اهالی ولایات همجوار انها حاصل

خواهد گردید

علی ماس افندی که از دولت روم مأمور اقامت دولت ایرانست

در روز دوشنبه بیست و نهم ماه در پیچ لشانی وارد تبریز شده

یک هفته در آنجا خواهد ماند و بعد از ان روانه دار الخلافه میشود

احوالات دول خارجه

در ولایت انگلیس چونکه خواین مشورتخانه دوکلای رعایا در

پای تخت جمع نشده بودند از انولایت چندان خبری نیست که تحریر

بدول خارجه داشته باشد در روزنامه انولایت اکثر چیزها که

بود در خصوص ساختن راههای آهن بجهة تردد کالسکه بخار و راه

انداختن کشتی بخار بخصوص از ولایت انگلیس تا بمبئی و بنا سبا

کشتی بخار که از ولایت انگلیس به بمبئی دنیا میرفت یا از شهر

لورپول روانه می شد یا از یکی از شهرهای دیگر انگلیس چونکه

حالا تردد میانه انگلیس و بمبئی دنیا زیاد شده است میخواهند

آنچه ممکن باشد راهها را نزدیکتر نمایند و چونکه دریا اعتبار ندارد

گاه طوفان است و گاه هوا اعتدال دارد میخواهند در عوض اینکه

کشتیها از شهر لورپول روانه می شدند بسمت شمال مملکت ایرلند

میرفتند سیاح وغیره که میخواهد از لورپول به بمبئی دنیا برود از انجا

براه دریا بمنزل اول مملکت ایرلند برود و از سمت مشرق تا مغرب

ایرلند هم راه آهن بجهة کالسکه بخار بسازند و از کنار دریا

سمت مغرب ایرلند کشتیها بکمپر روانه بمبئی دنیا بشوند اگر چنین قرار

بگیرد دکو باتر دد سیاح وغیره از ولایت انگلیس تا بمبئی دنیا

چند روز ثقاوت بکند که زودتر رفت و آمد بشود

در یکی از روزنامهای انگلیس نوشته اند که مواقق سرشماری که

در ولایت انگلیس کرده اند معلوم شده است که مردمان

وکوهستان وغیره واز اهل شهر زیاد تر عمر می کنند در
اینخصوص طبیبان فکر زیاد کرده اند آنچه معلومشان شده است
این است که پرورش اطفال در شهر بسیار مشکلست واز
مادر که متولد میشوند در شهرستان بیشتر از دهات میمیرند و کسانیکه
تولدشان در دهات وکوهستان شده بشهر که می آیند زیادتر
از اطفال شهری عمر دوام دارند سببهای بدی آب
وهوای شهر انکلی نمیدانند اما بعضی چیزها را که فهمیده اند از
جمله جمعیت زیاد در خانهای کوچک وکوچهای تنگ وپیچیده
خصوص کوچهائی که روشنائی و
هوا بآنجا راه ندارد و بوهای بد وهوای کثیف آب متعفن
در فرنگستان نهری میسازند که کل فاضل آب بآن نهر ریخته بیرون
شهر میرود در هر کوچه که این نهر را درست نمی سازند ناخوشی زیاد
میشود ومردمشان کم عمر میشوند وطبیبان گمان میکنند که
که با دقت وپاکیزه نگاهداشتن شهرها میشود که آب وهوای شهرها
مثل آب وهوای دهات بکنند که در شهر بیشتر از دهات مردم
از آنها نمیرند اگرچه طبیبان این خیال را کرده اند اما روزنامه
نویسان باور نمی کنند که هرطور بکنند بتوان هوای شهرها
مثل هوای دهات وکوهستان کرد نزدیک بدویست سال
پیش ازین که شهر لندن آتش گرفت مهندسی خواست که شهر را
وضع دیگر طرح نماید وبنا کند خلق بجهة اینکه مکانشان که
تغییر کرد مبادا از کار وکاسبی های خود باز بمانند قبول
نکردند درین ایام آخر شهر را خیلی بهتر کرده اند بخراب
کردن کوچهای قدیم ووسیع کردن کوچهای تازه ودرست
بیشتر موافق حساب سرشماری طبیبان آب وهوایش
بهتر گردیده ومردمش کمتر تلف شده اند

چونکه مملکت انگلیس پر آبادیست وجمعیتش زیاد هر سال بسیاری
از رعایای آنجا بخارج میروند بعضی بممالک دولت انگلیس که
که در خارج است میروند وبرخی بدولتهای دنیای شمالی
از یک شهر مملکت ایرلند حساب کرده اند چهل وچهار کشتی که مشتهر از
نفر از رعایا در میانشان بوده اند روانه مملکت نیکی دنیا شده اند

از جمله اجناس نفیس وصنایع خوب کل ممالک دنیا که بجهة
نمونه وتشخیص خوب وبد آنها در عمارت در پیرون شهر لندن
بنا کذاشته اند که در هر سال آینده جمع آوری
نمایند از هند وچین ارغاج تراشیده بسیار چیزهای قطعه آورده اند
ویک جثه که در پیش مرواری دوزی است ومال بنجسنگ
بوده از پنجاب فرستاده بودند که پانزده هزار تومان
قیمت کرده اند ویکدست زین وساب اسب هم مال بنجسنگ
بوده که سیزده هزار وپانصد تومان قیمت کرده اند در صنع

بجواهرالات است

وکلای پادشاهان در شهر درزدن جمع شده بودند و
گفتگوی فراری در امورات نمستان داشتند ولکن چونکه
قرار گذاشته اند که تا طی گفتگو نشود بجائی اخبار نکنند باین
سبب هنوز معلوم نیست که چه قسم گذارنده اند

در مملکت هانسین جنگ را موقوف کرده اند اما طرفین دنیا
وهانسین قوتشان در مقابل یکدیگر نشسته اند جنگ عظیمی در
میانشان نشده است مگر پیش قراولان چه چه چیان گاهی با هم
جنگ جزئی کرده اند

دوزرارا
می گفتند که پادشاه اسپانیول بنا داشت چند نفر از

معزول نماید و این خبر را در اغلب روزنامهای انجا نوشته اند
و لکن در انجا بجای خود برقرارند و معلوم نیست که پادشاه
چنین اراده داشته یا نه
ناخوشی وبا در جزیره جمیکه که یکی از جزایر زیر خط استوا است
چنان مهلک شده که در یکی از روزنامها نوشته اند که یک
ربع اهل آنجا را تلف کرده اول در قصبه پورت رایال
بروز کرد و از آن قصبه تا شهر کینگستان دو فرسخ راه است بعد
در کوچهای شهر کینگستان که نزدیک بدریا بود بروز کرد
اکثر اهل این شهر که چهل هزار جمعیت دارد اولاد غلام و کنیز سیاه
میباشند که اول از مغرب زمین آورده اند و بسیار قتال
میشوند شهر بسیار کثیف بود در اول ناخوشی که بروز کرد
عوض آنکه کاری بکنند که رفع شود چنان خوف کردند
که هیچ کاری اقدام نکردند همانقدر که ناخوش شدند
افتادند و بی معالجه و کوشش تلف گردیدند یک ربع
از اهل این شهر از این ناخوشی مرده اند و چونکه اقدر
ناخوش داشت که آنهاکه زنده بودند دستشان نرسید
که مرده ها را بقاعده و قانون خودشان دفن نمایند
عرابها بیرون آورده در میان شهر گردش میکردند و
مرده ها را در میان عرابها که انباشته بیرون شهر میبردند
و زمینها را کود کرده همه را بروی هم ریخته خاک روشان
میریختند اول دیوانیان محصرین را که محبوس بودند بیرون
آوردند و گفتند اگر مرده ها را دفن نمائید در تقصیرات
جستان رفاه خواهد بود آنها از عهده برنیامدند اهل نظام را
حکم کردند که مرده ها را دفن نمایند طبیب هم در آنجا بسیار
کم بوده اکثر طبیبان نیز که در آنجا بودند از ناخوشی فوت
شده بودند بعضی از روزنامه نویسان انگلیس از امنای دیوان
کلا دارند چونکه گمان داشتند که ناخوشی و با در ان جزیره
بروز نکند و هیچ مدارک نکرده بودند در شهر نیویارک
با اینکه دولت جداگانه اند و باین علل مداخلت ندارند
بمحض شنیدن ناخوشی وبا در جزیره جمیکه روزنامه نویسان
بخلق اعلام کردند که شخواهی جمع آوری نموده طبیب و دوا
و آنچه لازم باشد برای خلق جمیکه از راه احسان بفقرا
روانه نمایند و زود هم حاضر کردند و فرستادند
در خود جزیره جمیکه دولتمندان آنجا در یکروز سه هزار
تومان پیشتر تحفه دوا و مستحفظ مریضها جمع کردند و این بسیار
کم بود بعد از انکه خبر این ناخوشی بولایت انگلیس رسید اطبا
دوا و آنچه لازم است از آنجا فرستادند اما تا رسیدن
انها ناخوشی در جمیکه تخفیف یافته بود درین خصوص دیگی از
روزنامهای لندن حساب کرده اند که اگرچه این ناخوشی
مدتی در آنولایت طول کشید اما بیش از صد یک از خلق تلف
نشدند اما در کینگستان جمیکه چنانکه نوشته اند یک ربع
خلق را تلف کرده و در یک شهر که پانزده هزار جمعیت داشته
و نام او سگره منطوات حالا بیشتر از یکهزار و پانصد نفر
نمانده اگرچه بسیاری فرار کرده اند اما معلوم است که نصف بیشتر
تلف شده اند در بعضی شهرهای جنگی دنیای وسطی ام نصف مرده اند

احوالات متفرقه

از مملکت چین نوشته اند که دزدان در یکی از رودخانهای
انجا بسیار بودند و همه با اسباب جنگ بودند و زورقهای
تیز رو داشتند و اکثر غارت آنها از کشتیهای اهل صین است که در تابستان
از هندوستان میروند چونکه کم وزن است و گران بها و بجهت اینکه تجملات یافته اند

در یکی از روزنامهای فرانسه که سمافور بنا مشد بانطور
نوشته اند که شخصی در ولایت فرانسه تفنگ بدست گرفته به
شکار خرگوش بیرون رفته بود سگی که همراه برده بود
چند قدم از او پیشتر گردش میکرد ناگاه ایستاد و بنای
فریاد گذاشت صاحبش پیش رفت افعی بزرگی دید کردن
افراخته و چهار پای دو نیم گز یک زرع و یک ربع باشد
درازی قد او بود صیاد با تفنگ انداخت گلوله به تنش
خورده با وجود زخم سنگر صیاد را عقب کرد صیاد ناشدت خوف
و اضطراب خود را بالای درختی کشید افعی پیچان پیچان خود را
بپای درخت رسانده نگاه بالای درخت کرد و لکن بجهه زخم
گلوله قوتی در او نمانده بود و نتوانست از درخت بالا برود
و گذشت و قدری رفته افتاد بعد از مدتی که صیاد خاطر جمع شد
که افعی بیجان شده و دیگر حرکت ندارد از درخت فرود آمد و سر
او را بریده با تنش در چپت خود انداخته بخانه خود آمد و افعی را بکسان
و متعلقان خود نشان داده بعد از هشت روز که خواست پوست
او را بکند در سر افعی میان پوست و گوشت الماسی ابدار دید که زرگرهای
آنجا او را هزار تومان قیمت کرده بودند آن شخص به پاریس
رفته و کیفیت را بمدرسة العلوم علی التفصیل بیان کرده بود

در یکی از روزنامهای انگلیس نوشته اند که شخصی در مملکت
سکاتلندست که در روی زمین از او پر زورتر کسی دیده نشده
میگویند قوتش بمرتبه ایست که دوش خود را بزیر شکم اسب
میبرد و اسب را نیم زرع از زمین بلند میکند و این کس از جمله
تارعین است و در کوهستان آن مملکت ساکن است

از مملکت مصر نوشته اند که عباس پاشا نایب السلطنه مملکت مزبور
در عمارتی که نزدیک بدشت کویرست بجهه شکار آهوی دشتی توقف
داشت و چند رأس تازی شکاری بجهه پاشای مزبور از ولایت
انگلیس آورده بودند که در همان ولایت انگلیس آنها را تازی
آهو میناصند و با آن تازیها مشغول شکار بود و بنا داشت در همانجا
بماند تا والده اش از زیارت بیت الله الحرام مراجعت نماید و
پاشا درین سفر زحمت زیاد کشیده بود کشتی بخار که بجهه او در
کنار بحر الاحمر در شهر سویس حاضر کرده بودند با آدمهای متعلقانش
در او نشسته قدری راندند ناگاه کشتی بگل نشست و کم مانده
بود که غرق بشود و تشویش تمام داشتند درین بین یکی از کشتیهای
بخار ولایت انگلیس که از مصر تا هند دستان کردش مینمایند با
سمتها آمده بود والده پاشا را با آدمهایش به کشتی خود درآورده
بجده بسلامت رسانید بعد از رسیدن بجده و تکه معظمه ناخوشی
وبا در آنجا شدت داشت بسیاری از آدمهای او از وبا و سایر
ناخوشیها تلف شده بودند و خود والده پاشا چشم درد
گرفته بود و معلوم نیست که بعد از معالجه چشمش خوب بشود یا نشود
و هر وقت که والده پاشا بمصر مراجعت بکند پاشا نیاز دارد که
قاهره روانه شود و چونکه قاعده است که سالی یکدفعه بمصر علیا برود
از قاهره بمصر علیا خواهد رفت

در شهر اسکندریه منتظر حسن پاشا میر مشور تخانه مملکت مصر بود
و حسن پاشا نیاز داشت عدالت خانه برپا نماید که نصف اهل عدالتخانه
از اهل فرنگستان باشند و نصف دیگر از اهل خود مصر و نوشته های
دول خارجه ساکن اسکندریه راضی باین عمل نبودند چونکه نایب
گمرکهای ما بین اهل فرنگستان با اهل آن ولایت رجوع بعدالتخانه

مزبور بشود انها گفته بودند که اوم عادل میخواهیم تجهیز راه بروان این
عمل لازم است و بسیار کم یافت میشود بلکه وجود ندارد و باین جهت
راضی نشده بودند از دیوان اعلای اسلامبول حکم شده بود
که در مصر مشورتخانه دیگر بنا بگذارند تلقب بدیوان احکام عدالت
و این مشورتخانه از اعیان مصر میباشد باید آنچه بدیوان میدخلت
دارد در آنجا مشورت نمایند و اهل این مشورتخانه را باید امنای دولت
اسلامبول پسند نمایند و از برای پاشا همین قدر اختیار است که
موافق مشورت آنها رفتار نماید یا نه اما صورت مشورت و مدعای
آنها باید بوعده معتمدی باسلامبول برسد کل ولایات مصر
آرام بود و قدری رو بترقی داشت در فصل پائیز چونکه آب
رود نیل کشیده و کم شده بود تشویش داشتند که مبادا حاصل
بعمل نیاید اما در آخر پائیز که آب رود نیل دو باره بالا آمد
کفایت حاصل را کرده بود و در خصوص حاصل پنبه نوشته
بودند که چون هنوز نچیده بودند معلوم نبود که از سالهای سابق
زیاد تر یا کمتر میشود اما پیشتر از سالهای دیگر کاشته بودند
رود نیل پر از کشتیها بود که حاصل میان ولایت را کنار دریا
میبردند و تجارت فراوان در آنجا داشتند پول زیاد از انگلیس آمده
عوض قیمت اجناس میرفت پول طلای انگلیس را که پوند میگویند
و هر یک دو تومان و دو هزار یا دو هزار و پانصد دینار
پول ایران است در آن ولایت بسیار آورده بودند و خیلی در آنجا
متداول شده خصوص در میان اعراب آن ولایت و در یک هفته
حساب کرده اند که بیست و پنجهزار پوند که تخمیناً مبلغ پنجاه
پنج هزار تومان پول ایران میباشد بدست تجار آمده و بزارعین
رسیده بود و چونکه هشت هفته بهمین طور پول فراوان میرفت در
این مدت چهارصد و چهل هزار تومان پول انگلیس بدست رعایا و

زارعین مصر رسیده و غیر از این مبالغ بزرگ که از پول انگلیس
داده شده پول زیاد هم از ولایت روم و هم از فرانسه
و اسپانیول و غیره بآنجا آمده است

اعلانات

حسب الحکم دیوان اعلی قیمت اعلانات درین روزنامه باین تفصیل است
پیشتر از چهار سطر نباشد یکهزار دینار کمتر هم باشد یکهزار دینار
و اگر پیشتر باشد از قرار هر سطری پنج شاهی بتجار و غیره را اعلام
میشود که هر کس چیزی فروختنی داشته باشد و بخواهد بخلق اعلام
نماید درین روزنامها از نیقرار نوشته میشود

موشیو روجیازی نام تاجر فرنگی چند بار مال التجاره بدار الخلافه
آورده که بفروش برساند در خانه اللهوردی آقا نزدیک
سفارتخانه دولت بهیه انگلیس در محله عباس آباد منزل دارد و موافق
تفصیل ذیل اجناس آورده است و غیر از این بتفصیل هم چیزهای

زنجیر ساعت از طلا و غیره	دست بند و غیره	نشان دوسی صاحبقران نظامی		قوطی آئینه طلا مینا کاری
تخت صندلی قطع خوابین دخمتان	ساعت مجلسی	قوطی که دور طرفش طپانچه دارد		ساعت نقره و طلا
اتباب چینی از هر قسم	شمع کافوری	ماروط انگلیس بلند خوب		چتر بسیار اعلا و خوب
قوطی موزیکان	دستکش از هر قسم	همایل صاحبقران نظامی و کلاه خون ناه نقره		زین و برگ فرنگی
پیچ بخاری	کاغذ الوان منقش محمدی کلابتون با چهار چیباندن اطاقها		کردن بند سیاه ابریشمی	پراهن فرنگی

دیگر اعلی که تازگی دارد بسیار آورده است که بعضی تا بحال
باین ولایت هیچ نیامده بود از خواص و عام اهل
دار الخلافه مبارکه را اعلام میکند که هر کدام مایل باشند
بیایند و تماشا نمایند